

امکان سنجی حقوقی جمع‌سپاری تنقیح قوانین و مقررات

علی بهادری جهرمی^{*۱}، محمدرضا علی‌پور^{**۲}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2022.241

چکیده

حجم زیاد قوانین و مقررات و پراکندگی آن‌ها سال‌هاست که به معضلی در نظام حقوقی ما تبدیل شده است. شهروندان، حقوقدانان و حتی تصمیم‌سازان با انبوهی از قوانین و مقرراتی مواجهند که نه تنها ارتباط میان آن‌ها مشخص نیست، گاه از منسوخ شدن برخی نیز آگاهی ندارند. موضوع ساماندهی به این قوانین و مقررات با عنوان تنقیح، چند سالی است در دستور کار قوای سه‌گانه به‌ویژه قوای مقننه و مجریه قرار گرفته است. گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و امکان استفاده از خرد جمعی و تجربیات موفق جهانی در این زمینه، سبب شده است تا استفاده از این روش برای امر تنقیح به‌عنوان یک پیشنهاد قابل بررسی باشد. اما پرسش کلیدی آن است که آیا اساساً بهره‌گیری از این روش برای تنقیح قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است؟ با توجه به ابعاد و مراحل مختلف تنقیح، خرد جمعی می‌تواند بخش مهمی از این مراحل از جمله در شناسایی و پیشنهاد ساماندهی مطلوب نقش‌آفرینی نماید، لکن تقنین این ساماندهی در حوزه قوانین و مقررات، براساس قانون اساسی نه‌تنها قابل واگذاری به خارج از ساختار مرجع تقنین نیست، که حتی نمی‌توان مقنن را به تبعیت از نتیجه حاصل از خرد جمعی ملزم کرد.

واژگان کلیدی: تنقیح، تدوین، تقنین، جمع‌سپاری، خرد جمعی.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* Email: a.bahadori.j@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** Email: fanoososerat@gmail.com



مقدمه

قوانین و مقررات به‌مثابه اصلی‌ترین منابع نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بسیاری برخوردارند. در هرم قوانین نظام حقوقی کشور ما، پس از قانون اساسی و سیاست‌های کلی، قوانین عادی و مقررات هنجارهای حقوقی را مشخص می‌کنند. در حال حاضر و براساس آخرین داده‌های نمایه‌شده در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران^۱، بیش از ۱۲ هزار قانون، بیش از ۱۰۷ هزار مقرر و بیش از ۲۵ هزار رأی در کشور وجود دارد که تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای الزام‌آور برای عموم افراد در کشورند و در صد سال اخیر به تصویب رسیده‌اند و عمده آن‌ها همچنان نیز معتبرند.

تورم قوانین و مقررات جزو ذات نظام‌های سیاسی - اداری مدرن است و در نظام‌های سیاسی - اداری پیشامدرن چنین چیزی وجود نداشته است، از این رو این حجم بزرگ از قوانین و مقررات که هر روز نیز به آن افزوده می‌شود، نیازمند مدیریت مستمر است (آقای طوق، ۱۳۹۶: ۹۸). از همین رو، قوای سه‌گانه در سال‌های اخیر در تلاش‌اند تا هر کدام به‌نحوی و اخیراً با همکاری یکدیگر، به تنقیح قوانین و مقررات بپردازند.

سال‌هاست که روش‌های استفاده از دانش جمعی در بررسی و تشخیص داده‌ها و اطلاعات حجیم از مهم‌ترین راهکارهایی است که در بستر فناوری‌های اطلاعاتی به‌کار می‌رود. تاکنون پروژه‌های جمع‌سپاری تخصصی و غیرتخصصی و حتی تجاری و غیرتجاری مختلفی در جهان انجام گرفته است. برای مثال پروژه ریکچچا^۲ برای دیجیتالی کردن کتاب‌های قدیمی، گوگل ایمیج لیب^۳ برای برچسب‌گذاری تصاویر گوگل دو مورد از معروف‌ترین آن‌هاست که تقریباً هر کدام از ما حداقل بیش از یک بار هنگام ورود به حساب کاربری در سایت‌های مختلف، در آن‌ها مشارکت داشته‌ایم.

با توجه به ویژگی‌های قوانین و مقررات و تجربه‌های جهانی در امر جمع‌سپاری، به‌نظر می‌رسد استفاده از دانش و توان جمعی کارشناسان حقوق می‌تواند مسیر راحت‌تر و سریع‌تری به‌منظور پیشبرد پروژه تنقیح قوانین و مقررات در کشور باشد. پیش از بررسی و طراحی مدل این فرایند جمع‌سپاری، می‌بایست ابتدا ظرفیت‌های قانونی آن را بررسی کرد و به این پرسش کلیدی پاسخ داد که آیا واگذاری امر تنقیح در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به جمعی از کارشناسان حقوقی از طریق فرایندهای جمع‌سپاری، امکان‌پذیر است؟ در صورت امکان، رعایت چه الزامات قانونی بر جمع‌سپاری تنقیح قوانین و مقررات حاکم است؟

این پرسش‌ها از این رو کلیدی است که پیش از طراحی مدل موردنظر برای تنقیح قوانین و مقررات و طرف زمان و هزینه جهت پیشبرد آن، می‌بایست ابتدا از امکان انجام آن به لحاظ

حقوقی اطمینان حاصل کرد تا در نهایت بنا به الزاماتی که برای آن در نظر گرفته شده است، به نتیجه برسد و قابل بهره‌برداری باشد.

نگارندگان در این مقاله در تلاش‌اند تا با روش مطالعاتی کتابخانه‌ای، با بررسی ویژگی‌ها و ابعاد جمع‌سپاری امور به افراد و آشنایی با آن، ضمن شناخت دقیق چستی تنقیح قوانین و مقررات و سوابق آن در کشور، امکان تحقق جمع‌سپاری تنقیح قوانین و مقررات را بررسی و الزامات حاکم بر آن را تبیین کنند.

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص تنقیح قوانین و مقررات از حیث شناخت دقیق مفهوم و لزوم آن در نظام حقوقی کشور ما انجام گرفته است. همچنین پژوهش‌هایی در خصوص مزیت‌ها و ویژگی‌های جمع‌سپاری در حوزه‌های مختلف و الزامات آن انجام پذیرفته، لکن با وجود بررسی‌های نگارندگان این مقاله، تا این لحظه، پژوهش‌مکتوبی در خصوص جمع‌سپاری تنقیح قوانین و مقررات مشاهده نشده است.

۱. جمع‌سپاری^۴

جمع‌سپاری که ترکیب معنایی دو واژه خرد جمعی^۵ و برون‌سپاری^۶ است (جوادی خسرقی، ۱۳۹۲: ۹)، به معنای روشی از مشارکت در انجام فعالیتی است که طی آن، مجموعه‌ای از وظایف کوچک میان تک‌تک افراد به‌طور جداگانه از یک جمع بزرگ به‌گونه‌ای تقسیم می‌شود که قابل جمع و کنار هم قرار گرفتن هستند. این اقدام اغلب دارای منافع دوطرفه‌ای از جمله دریافت حق‌الزحمه، جایگاه اجتماعی و... برای افراد است (Estellés-Arolas, 2012:9).

۱-۱. تعریف جمع‌سپاری

تعاریف ارائه‌شده برای جمع‌سپاری تفاوت‌های جزئی با هم دارند. برای مثال جف هو در یادداشت Rise of crowdsourcing در نشریه *WIRED*، جمع‌سپاری را روشی معرفی می‌کند که طی آن فعالیتی انجام می‌گیرد که در شرایط سنتی توسط یک کارمند یا پیمانکار انجام می‌شد و هم‌اکنون به شبکه ناشناخته و اغلب بزرگی از افراد، به‌صورت فراخوان عمومی سپرده می‌شود.^۷ لکن می‌توان در تعریف جمع‌سپاری هشت شاخصه مشترک یافت (Estellés-Arolas, 2012:10):

۱. تعریف روشنی از جمعیت وجود داشته باشد؛
۲. وظیفه‌ای با هدف روشن وجود داشته باشد؛
۳. پاداش دریافتی توسط جمعیت روشن باشد؛
۴. جمع‌سپار به‌روشنی مشخص و شناسایی شود؛
۵. منفعت و سودی که جمع‌سپار خواهد داشت، به‌روشنی مشخص شود؛

۶. یک فرایند آنلاین مشارکتی باشد؛

۷. از فراخوانی عمومی با وسعت متغیر استفاده شو؛

۸. در بستر اینترنت واقع شود.

به نظر نگارنده بخشی از تعریف که جمع‌سپاری را صرفاً منوط به فعالیت‌های در بستر اینترنت می‌داند، به‌نوعی استقرای ناقص است، والا جمع‌سپاری در خارج از بستر اینترنت نیز شاید دشوار، اما امکان‌پذیر است.

با این حال، گسترش وب^{۹۲} و افزایش امکان تعامل کاربران با یکدیگر و همچنین رشد کاربران اینترنت، شرکت‌های مختلف را بر آن داشت تا با استفاده از بسترهای تعاملی با کاربران در این فضا، با کنار هم قرار دادن توان فردی افراد، به حل مسائل کلان بپردازند.

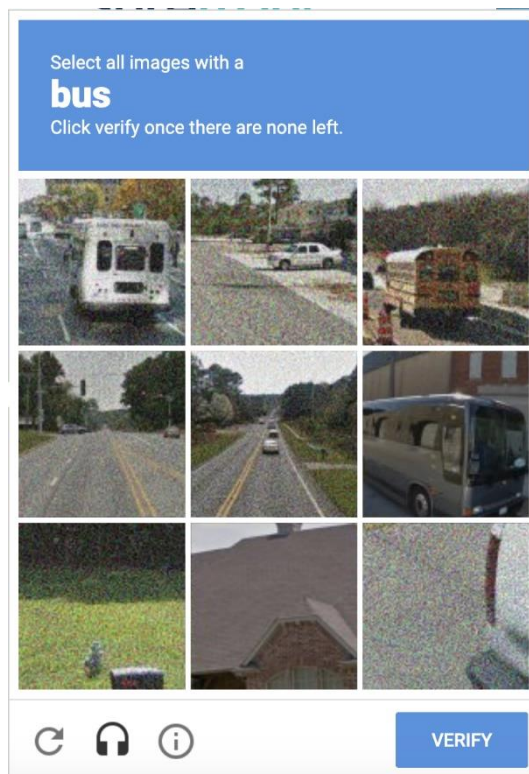
۲-۱. نظارت بر عملکرد

یکی دیگر از مسائل مربوط به جمع‌سپاری در مواردی که اطمینان از صحت عملکرد کاربران مورد انتظار طراح فرایند است، راستی‌آزمایی و صحت‌سنجی وظایف واگذاری‌شده از راه‌های مختلف است.

دانشنامه ویکی‌پدیا^{۹۳} از نمونه‌های موفق و معروف همین رویکرد در تولید محتوا در فضای اینترنت است. در این پلتفرم، می‌توانید برای یک عنوان صفحه‌ای ایجاد یا اطلاعات یک صفحه را در هر لحظه ویرایش کنید و کاربران با توجه به جایگاهی که در رده‌بندی این دانشنامه دارند، بر عملکرد یکدیگر نظارت می‌کنند.

نمونه دیگر آنکه شاید تاکنون بدون اطلاع از اینکه در حال انجام چه کاری هستید و بارها در آن مشارکت داشته‌اید، برچسب‌گذاری و دسته‌بندی تصاویر گوگل است. یکی از مشکلاتی که سایت‌های مختلف به‌منظور حفظ امنیت خود با آن روبه‌رو هستند، تشخیص ربات‌های فعال در فضای مجازی است. تاکنون راهکارهای مختلفی برای آن استفاده شده، مانند وارد کردن کدهای امنیتی و تصاویری که فقط انسان‌ها قادر به تشخیص آن هستند. گوگل از این مشکل استفاده کرده و با آن تصاویری را شناسایی و به‌منظور سهولت در جست‌وجو و تحلیل توسط میلیون‌ها کاربری که روزانه قصد ورود به سایت‌ها را دارند، دسته‌بندی می‌کند. همان‌گونه‌که در تصویر ۱ مشاهده می‌کنید، گوگل تعدادی تصویر را به کاربر نمایش می‌دهد و از او می‌خواهد تصاویری را که شاخصه‌ای در آن‌ها مشترک است، انتخاب کند. گوگل از این طریق تصاویر خود را دسته‌بندی می‌کند. راهکار گوگل برای اطمینان از صحت این تحلیل نیز ارائه همزمان به چند کاربر و طرح پرسش‌های مشابه و در

حالت‌های پراکنده است تا درصد خطا را تا حد ممکن به صفر نزدیک کند.



تصویر ۱- نسخه ۳ ریکپچا (google recaptcha v3)

همچنین در نسخه دیگری از سیستم ریکپچا، گوگل به دنبال دیجیتال شدن کتاب‌های چاپ‌شده قدیمی بود (رضایی، ۱۳۹۵: ۲). ربات‌های هوشمندی که قصد بازخوانی کتاب‌های قدیمی و دیجیتالی کردن واژگان چاپ‌شده را بر عهده داشتند، قادر به شناسایی برخی واژگان نبودند. گوگل با ارائه این واژگان به عموم مردم، شناسایی و دیجیتالی کردن آن‌ها را به کاربران اینترنت واگذار کرد و برای راستی‌آزمایی این اقدام کاربران، در کنار واژه غیرقابل تشخیص واژه دیگری را که برای گوگل قابل تشخیص بود، ارائه می‌کرد تا براساس آن، تشخیص کاربر را بررسی کند. در تصویر ۲ مشاهده می‌کنید که واژه سمت چپ برای دیجیتال شدن و واژه سمت راست با هدف راستی‌آزمایی به کاربر ارائه شده است. این روش توانست کلمات را تا ۹۹ درصد درست تشخیص دهد. طبق آمار تا سال ۲۰۱۶ بیش از ۴۴۰ میلیون کلمه از این طریق شناسایی شده است (Liu, 2016: 5).



تصویر ۲- نسخه ۲ ریکپچا (google recaptcha v2)

با مشاهده موارد مذکور دریافتیم که جمع‌سپاری فعالیتی است که در دنیا در حوزه‌های مختلف با روش‌های متفاوتی در حال استفاده است. از طرفی افزایش تعداد کاربران اینترنت نیز موجب افزایش انگیزه برای به‌کارگیری این‌گونه ابزارها جهت تسهیل امور می‌شود. یکی از تردیدها در به‌کارگیری خرد جمعی در تنقیح قوانین و مقررات، دانش مورد نیاز این امر تخصصی است. پاسخ به این مسئله در حوصله موضوع این مقاله نیست، لکن تجارب جمع‌سپاری امور تخصصی مانند استفاده از خرد جمعی در ارتقای واکسن‌های HIV و رفع برخی چالش‌های مرتبط جزو نمونه‌های موفق آن‌هاست (Day, 2018: 14). با توجه به جمیع نکات درمی‌یابیم که طراحی یک مدل جمع‌سپاری برای واگذاری انجام یک فعالیت به جمعیتی از افراد نیازمند توجه به ابعاد مختلف آن فعالیت از جمله نحوه تقطیع اقدامات کوچک و همچنین شیوه راستی‌آزمایی آن خواهد بود.

۲. تنقیح قوانین و مقررات

نتیجه استمرار قانونگذاری، تصویب و وضع فزاینده انبوه قوانینی است که همه‌ساله در مجموعه‌های قانونی انباشته می‌شود. با اجرای قوانین جدید، بسیاری از قوانین پیشین از حیثه اجرا خارج می‌شوند و تأثیر و قابلیت استناد خود را در مناسبات جدید اجتماعی از دست می‌دهند (فراهانی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۷: ۷۶). لکن مشکلات متعددی از جمله ناکارآمدی برخی قوانین و به‌ویژه تصویب قوانین پراکنده به مسئله‌ای بین‌الذهانی تبدیل شده است که کمتر کسی آن را انکار می‌کند؛ این تورم نظام حقوقی را به‌حدی حجیم و پیچیده کرده که پیدا کردن پاسخ‌های قانونی برای مسائل حقوقی دشوار شده است (آقای طوق، ۱۳۹۸: ۲). طبق آخرین آمار از سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به آدرس qavanin.ir که متعلق به معاونت حقوقی ریاست جمهوری است، تاکنون ۱۲۳۹۰ قانون به تصویب مجالس قانونگذاری و ۱۰۷۲۳۶ مقرر به تصویب نهادهای مقررگذار رسیده و ۲۶۰۱۹ رأی نیز در مراجع مختلف صادر شده است^{۱۰} که عمده این موارد برای عموم شهروندان لازم‌الاجراست.

برای حل این مسئله و برطرف ساختن تأثیرات ناشی از آن، دو تدبیر اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: اول آنکه نظام تقنین از این پس با رعایت اصول و استانداردهای خاصی و با هدف جلوگیری از وقوع مشکلاتی که اکنون با آن‌ها مواجهیم، به قانونگذاری بپردازد؛ دوم آنکه از مجموعه قوانین و مقررات سابق کشور ابهام‌زدایی کرده، آن‌ها را قابل فهم کند و در دسترس عموم قرار دهد و تورم و پیچیدگی آن‌ها را رفع کند (انصاری، ۱۳۹۰: ۹۱).

تنقیح قوانین و مقررات موجود راهکار کشور برای تدبیر دوم است که سال‌هاست جزو برنامه‌های جدی قوای مختلف است؛ تا آنجا که در ۲۵ خردادماه ۱۳۸۹، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون «تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور» مسئولیت تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور را به معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی واگذار کردند؛ لکن تا به امروز همچنان یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام حقوقی ما تورم شدید قوانین پراکنده در موضوعات مختلف است و همین مسئله نشان‌دهنده ضعف این معاونت در سال‌های اخیر در انجام این امر خطیر است. این در حالی است که خردادماه ۱۳۹۸ معاونان سه قوه نیز به‌منظور انجام این موضوع مهم تفاهم‌نامه‌ای منعقد کردند و تاکنون جلسات مشترکی نیز میان ایشان برگزار شده است.

از آنجا که تورم و پیچیدگی قوانین و مقررات در یک نظام حقوقی آثار متعددی برای شهروندان از جمله تحمیل هزینه‌های گزاف اداری، دشوار شدن تصمیم‌گیری در مسائل زندگی، دامن زدن به نابرابری، لطمه زدن به امنیت حقوقی را به‌دنبال دارد (انصاری، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۱)، از این رو می‌توان آن را از تکالیف دولت برشمرد. با این حال آن‌گونه که در مقدمه بیان شد، ظهور فناوری‌های نوین امکان بهره‌گیری از خرد جمعی و توان عمومی نخبگان را برای انجام امور فراهم کرده است و امر تنقیح که پس از سال‌ها در کشور ما همچنان با مشکلات بسیاری مواجه است نیز می‌تواند با بهره‌گیری از این فناوری‌ها، به شکلی کارآمدتر و سریع‌تر صورت پذیرد. لکن امکان واگذاری این تکلیف دولت به دیگران و مباشرت خرد جمعی در انجام این فعالیت، مسئله‌ای است که نیازمند بررسی در نظام حقوقی است، چراکه نتیجه این بررسی بر نظام تقنین و نتیجه زندگی عموم مردم اثرگذار است، از این رو رعایت اصول حاکم بر آن و رعایت قوانین و مقررات مرتبط، ضروری است. از طرفی تنقیح به معنای عام که اغلب استفاده می‌شود نیز ترکیب دو مرحله تنقیح و تدوین آن قوانین تنقیح شده است. در ادامه برای بررسی امکان واگذاری این امر به خرد جمعی، ابتدا با بیان معنای دقیق و تفاوت‌های تنقیح و تدوین، به امکان واگذاری هر کدام از قوانین و مقررات می‌پردازیم، چراکه دو عامل مرجع وضع و هر مرحله از تنقیح می‌توانند در امکان واگذاری این امر مؤثر باشند.

۲-۱. تنقیح

تنقیح به معنای زدودن بدنه قوانین از زوائد و پلشتی‌هایی است که طی زمان بر آنها عارض شده است (آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۱۰۶). تنقیح در واقع تشخیص دادن قانون حاکم در درون یک مجموعه قانونی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۷۰). در تنقیح به تشخیص قوانین و مواد ناسخ و منسوخ، روابط عموم و خصوص میان آنها و... می‌پردازیم. البته برخی قائل به برداشت شکلی از مفهوم تنقیح شده و آن را با «تدوین» به یک معنا دانسته‌اند که با نگاهی به تعاریف ارائه‌شده مشخص می‌شود که منظور از «تنقیح» در بیان این حقوقدانان، گردآوری و طبقه‌بندی قوانین و مقررات موجود است، به‌گونه‌ای که استفاده‌کنندگان از آن بتوانند به‌آسانی قوانین و مقررات موردنظر خود را بیابند (پروین و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷). در نتیجه می‌توان تنقیح را فرایند شناسایی و تشخیص روابط میان قوانین و مقررات و اجزای آنها با یکدیگر و با موضوع محوری آنها دانست. در نتیجه یافتن وضعیت یک موضوع در نظام حقوقی و دسترسی عمومی و حتی حقوقدانان را به قوانین و مقررات حول آن تسهیل کرد. از همه مهم‌تر حتی نظارت نهادهای ناظر بر قوانین و مقررات مانند شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و مقررات دولتی، دیوان عدالت اداری در نظارت بر مقررات دولتی و... نیز می‌تواند دقیق‌تر اعمال شود؛ چراکه دسترسی این نهادها به قوانین و مقررات تنقیح‌شده در شناسایی تعارضات احتمالی راحت‌تر است و کیفیت و اتقان این نظارت را ارتقا می‌بخشد.

همان‌گونه‌که بیان شد، آنچه در فرایند تنقیح رخ می‌دهد، عملیات شناسایی و تشخیص است و عملاً هیچ نوع اقدام جدیدی از جنس قانونگذاری انجام نمی‌پذیرد و در نهایت حاصل این فرایند در قالب مجموعه‌ای تنقیحی که قوانین و مقررات حول یک موضوع را صرفاً گردآوری کرده یا مجموعه‌ای تنقیحی که قوانین و مقررات مرتبط را با محوریت یک قانون ذیل مواد آن گردآوری کرده، یا هر مورد مشابه دیگری، ارائه می‌شود.

نقطه مشترک همه این فعالیت‌های تنقیحی آن است که روابط بیان‌شده هرچند تشخیص نسخ ضمنی یک ماده قانونی باشد، فقط در حد یک نظر و پیشنهاد کارشناسانه است که توسط گردآورنده ارائه می‌شود و می‌تواند از سوی دیگر اشخاص یا مراجع قانونی پذیرفته یا رد شود. به همین سبب نتایج حاصل از این فعالیت‌ها صرفاً موجب تسهیل دسترسی اشخاص می‌شود. برای مثال حتی اگر بیان شده باشد که ماده «الف»، ماده «ب» در قانون دیگری را نسخ کرده است، لکن این بیان صرفاً تشخیص نسخ ضمنی و ماهوی است و ماده «ب» همچنان معتبر و قابل استناد در مراجع خواهد بود و هیچ مانعی در استناد به آن وجود ندارد، مگر آنکه مرجع موردنظر نیز به این تشخیص دست یابد.

در معنای خاص آن، عملیاتی را که برای وارد کردن قوانین و مقررات تازه تصویب در قوانین و مقررات اصلاح‌شده یا نسخ‌شده صورت می‌گیرد، می‌توان تنقیح نامید (انصاری، ۱۳۹۰: ۹۷) و نتیجه آن را مشاوره و نظر کارشناسی دانست که اعتبار خود را از اعتبار کارشناسان متولی آن دریافت می‌کند و در نهایت و در بهترین حالت ممکن عرفاً میان حقوقدانان می‌تواند معتبر شناخته شود.

۲-۱-۱. شیوه جمع‌سپاری تنقیح قوانین و مقررات

پیش از این با جمع‌سپاری و نمونه‌هایی از آن و همچنین چستی تنقیح آشنا شدیم. در اینجا برخی شیوه‌های جمع‌سپاری قابل استفاده در تنقیح بررسی می‌شود. البته باید دقت شود که این بخش صرفاً پیشنهادی با استفاده از برخی روش‌های جمع‌سپاری از انواع روش‌های قابل استفاده در تنقیح است و بی‌شک روش‌های به‌کارگیری جمع‌سپاری در تنقیح محدود به این موارد نیست یا حتی بررسی روش‌های مطلوب نیز نیازمند پژوهشی جداگانه و مفصل است.

همان‌گونه‌که بیان شد، در فرایند جمع‌سپاری فعالیت‌هایی در حجم وسیع ولی کوچک به جمعیتی سپرده می‌شود و این تقسیم به‌گونه‌ای باید رخ دهد که نتیجه مشارکت جزئی هر کدام از اشخاص در کنار یکدیگر نتیجه قابل استفاده و معناداری داشته باشد. در اینجا و در این روش پیشنهاد آن است که این جمع‌سپاری به جامعه‌ای تخصصی از حقوقدانان واگذار شود.

تنقیح از دو مرحله شناسایی و تشخیص تشکیل شده است و در دو لایه تنقیح قوانین و مقررات و تنقیح مواد و محتوای آن‌ها صورت می‌پذیرد. در گام اول می‌بایست پایگاهی از داده‌های استاندارد قوانین و مقررات تهیه کرد. اصطلاح استانداردسازی داده‌ها در اینجا بدین معناست که تفکیک قوانین و مقررات از یکدیگر مشخص باشد، همچنین فراداده‌های آن از جمله تاریخ و مرجع تصویب و داده‌های مشابه مشخص و تفکیک‌شده و قابل شناسایی برای رایانه باشد و متون قوانین و مقررات نیز تا حد ممکن ساختارمند و با رعایت نوع انتصابات آن‌ها به قوانین و مقررات و با یکدیگر (مانند انتصاب یک تبصره به ماده‌ای مشخص) در پایگاه داده ذخیره شده باشند. استانداردسازی داده‌ها نیز می‌تواند از طریق جمع‌سپاری صورت پذیرد، لکن چون مقدمه تنقیح است، شیوه انجام آن خارج از موضوع این نگاشته است.

گام دوم شناسایی احتمالی قوانین و مقررات مرتبط یا مواد و محتواهای مرتبط بر بستر داده‌های استانداردشده مذکور است. در این مرحله می‌توان از روش برچسب‌زنی در جمع‌سپاری استفاده کرد؛ یعنی در تنقیح قوانین و مقررات، عنوان قانون یا مقررده و در تنقیح متون آن‌ها، مواد یا بندهای محتوایی قوانین و مقررات به کاربران نشان داده شوند و از ایشان خواسته شود که واژگان کلیدی مرتبط با آن‌ها را بنویسند. البته به‌کارگیری هوش مصنوعی

برای پیشنهاد تعدادی واژه کلیدی با استفاده از ترکیب کلمات و عبارات عناوین و متون قوانین و مقررات می‌تواند کار را برای کاربران تسهیل و البته در جمع‌آوری داده‌ها تدقیق کند. از طرفی نمایش هر متن یا عنوان به بیش از یک نفر موجب افزایش کیفیت داده‌های دریافتی می‌شود، چراکه وقتی چند نفر یک واژه کلیدی را انتخاب می‌کنند، بی‌شک احتمال صحت آن بیش از زمانی است که آن واژه فقط توسط یک نفر درج شده باشد. پس از آن با ایجاد شبکه ارتباطی میان واژگان کلیدی درج‌شده می‌توان داده‌های قوانین و مقررات در پایگاه داده را دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی گاهی می‌تواند بخشی از تنقیح و گاهی مقدمه گام بعدی تنقیح باشد. گام سوم که به عمل تشخیص منجر می‌شود، ارائه عناوین قوانین و مقررات یا محتوای برجسته‌گذاری شده با بیشترین نزدیکی (براساس تعداد و قرابت واژگان کلیدی شبکه‌شده) به صورت دو به دو به کاربران به منظور انتخاب نوع ارتباط میان آن‌ها با استفاده از فراداده‌ها و متون آن‌هاست. هرچه تعداد کاربرانی که رابطه‌ای را بررسی می‌کنند افزایش یابد، دقت و صحت آن تشخیص قابل اتکاتر خواهد بود.

گام چهارم بررسی روابط در لایه‌های بعدی ارتباطات است. برای مثال اگر میان ماده «الف» و ماده «ب» رابطه‌ای برقرار است و میان ماده «ب» و ماده «ج» نیز رابطه دیگری برقرار است، بسته به نوع رابطه که می‌تواند تخصیص، نسخ و... باشد، ممکن است میان «الف» و «ج» نیز رابطه‌ای برقرار باشد که نیازمند بررسی است.

گام‌های مذکور بی‌شک می‌توانند دقیق‌تر و کامل‌تر شوند. چه از طریق تغییر (افزایش یا کاهش یا جابه‌جایی) شیوه‌های مختلف جمع‌سپاری، چه از طریق افزایش جامعه کاربران مشارکت‌کننده و چه از طریق تدقیق هر مرحله با استفاده از ابزارهای مختلف مانند داده‌کاوی یا هوش مصنوعی؛ که البته هر مورد نیز می‌بایست متکی بر دانش حقوقی صورت پذیرد.

۲-۱-۲. واگذاری تنقیح قوانین

قانون در معنای عام تمامی بایدها و نبایدهایی حاکم بر یک نظام حقوقی حاکم را شامل می‌شود. لکن در اینجا مقصود ما از قانون، معنای خاص آن یعنی قوانین عادی است. قوانین عادی در هرم قوانین نظام حقوقی کشور ما به قوانینی گفته می‌شود که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسند و فرایندهای تعیین‌شده مطابق قانون اساسی برای آن طی می‌شود تا به قانون تبدیل شود. البته در اینکه مصوبات شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی نیز قانون عادی تلقی می‌شوند، در میان حقوقدانان اختلاف است. در خصوص جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌گونه‌ای است که برخی آن‌ها را به سبب تخصصی

بودن مافوق قوانین عادی دانسته و معتقدند که مجلس شورای اسلامی نیز باید از آن‌ها تبعیت کند (ملک‌افضلی، ۱۳۸۷: ۱۵۳؛ نورایی، ۱۳۹۲: ۱۳؛ بنایی اسکویی، ۱۳۹۴: ۶۳۸)، برخی آن‌ها را به سبب عدم تصریح به شورای مذکور در قانون اساسی فاقد وجهت قانونی می‌دانند (شریف، ۱۳۸۴: ۲۲۳) و عده‌ای نیز قائل به تفصیل در مصوبات مختلف این شورا هستند و میان مصوباتی که جایگاه سیاستگذاری دارند با مصوباتی که جایگاه مقررگذاری دارند یا مصوباتی که به تأیید رهبری رسیده و مصوباتی که به تأیید ایشان نرسیده‌اند، تفکیک قائل شده‌اند (هدایت‌نیا و گنجی، ۱۳۸۱: ۶۸؛ ره‌پیک، ۱۳۹۳: ۱۸؛ درویشوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸؛ میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶).

از طرف دیگر تصمیم‌گیری و تعیین وضعیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیز مشابه جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی امری دشوار است. لکن در حکم انتصاب اعضای جدید آن در سال ۱۳۹۴، صلاحیت‌های مختلف از سیاستگذاری تا قانونگذاری و مقررگذاری در آن ذکر شده است. لکن در این نوشتار نظر آن دسته از حقوقدانانی را که مصوبات این مراجع را در حدود صلاحیت ایشان بسته به نوع تصویب، قانون یا مقرر می‌دانند، مدنظر قرار می‌دهیم.

فرایند تنقیح در مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر و همچنین با توجه به قانون تدوین و تنقیح قوانین کشور که مسئولیت آن را به معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی سپرده است نیز شاهد این مدعا است که امر تنقیح به‌عنوان امر تخصصی و کارشناسانه جزو وظایف مستقیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیست، چراکه نیازمند دانش و تخصصی مورد نیاز است. در این سال‌ها نیز این فعالیت در نهادهای متولی امر تنقیح با همکاری کارشناسان صورت می‌پذیرفته و حتی نمایندگان مجلس نیز در جایگاه نمایندگی خود دخالتی در این مرحله نداشته‌اند. از طرفی به نظر می‌رسد معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی نیز که متولی این امر بوده است، از حیث قانونی‌ترین نقطه مرتبط با موضوع و نزدیک‌ترین نهاد به منظور تبدیل نتایج این فعالیت به تدوین قوانین منقح، نهاد منتخب قانونگذار بوده است و نه تنها همان‌گونه که در حال حاضر از نظرهای کارشناسان و متخصصان در جایگاه مشورت بهره می‌برد، که از خرد جمعی نیز می‌تواند در این زمینه استفاده کند و مانعی برای استفاده از این نظرها برای ارائه در این معاونت یا نهادهای متولی در مجموعه‌های تقنینی دیگر، وجود ندارد.

با توجه به جمیع نکات مربوط به ماهیت تنقیح در معنای خاص و آنچه در فرایند این تنقیح در حال حاضر در حال وقوع است و آنچه از آن انتظار داریم، برای بهره‌گیری از خرد جمعی از طریق جمع‌سپاری تنقیح (به معنای خاص) قوانین مانعی وجود ندارد، چراکه نتایج

این خرد جمعی به عنوان یک نظر مشورتی به کار می‌رود و مانعی برای دریافت نظرهای مشورتی در این مرحله از فرایند وجود ندارد.

۳-۱-۲. واگذاری تنقیح مقررات

منظور از مقررات، مصوبات نهادهای مادون مجلس شورای اسلامی در حدود صلاحیت ایشان است. هیأت دولت، سازمان‌های تنظیم مقررات، شوراهای اسلامی محلی و صنفی و... که به جز استثنائاتی، مابقی در حدود صلاحیت نظارت دیوان عدالت اداری خواهند بود، نظام قواعد حقوقی مادون قوانین عادی را تشکیل می‌دهند.

همان‌گونه که بیان شد، برخی مصوبات شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی را نیز کلاً یا در مواردی مادون قوانین عادی می‌دانند که در این صورت نیز این مصوبات جزو دیگر مقررات یا در موضوع کنونی مشابه مقررات به حساب می‌آیند.

به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی ذاتی امر تنقیح به معنای خاص آن که فعالیت کارشناسانه و مشورتی است، تنقیح مقررات نیز مانند تنقیح قوانین و مقررات نه تنها قابل واگذاری است که حتی در وضعیت کنونی نیز به سبب تخصصی بودن، مانند قوانین، اصولاً از عهده متولیان امر آنها که صلاحیت تصویب این مقررات را بر عهده دارند، خارج است.

نبود قوانین و مقررات محدودکننده و همچنین بنا به قیاس اولویت، می‌توان دریافت که واگذاری تنقیح مقررات به خرد جمعی و بهره‌گیری از جمع‌سپاری این فعالیت بدون هیچ نوع محدودیتی به لحاظ حقوقی امکان‌پذیر است.

۲-۲. تدوین

برخی معتقدند که می‌توان تنقیح را مدیریت در گذشته و تدوین را مدیریت در آینده قوانین و مقررات دانست (شفیعی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). تدوین نگاهی رو به جلو دارد و عبارت است از چاپ و انتشار منظم این قوانین تنقیح‌شده؛ پس به نظر می‌رسد می‌توان در فارسی لفظ تدوین را به منزله معادل مناسبی برای کدیفیکاسیون به کار برد (آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۰۷).

بیشتر حقوقدانان متخصص این حوزه در متأخر بودن تدوین بر تنقیح اختلافی ندارند، لکن برخی حقوقدانان معتقدند که به علت خلط‌های صورت‌گرفته، کدیفیکاسیون هر دو معنا را به همراه دارد و در ترجمه کدیفیکاسیون به گردآوری یا تدوین باید مشخص کرد که کدام نوع تدوین مدنظر است: تدوین به معنای وضع قانون یا تدوین به معنای گردآوری قوانین (انصاری، ۱۳۹۰: ۹۷).

با بررسی نظرها می‌توان نتیجه گرفت که تدوین در دو معنای تدوین - گردآوری^{۱۲} به

معنای گردآوری صرف قوانین و تدوین - اصلاح^{۱۳} به معنای گردآوری قوانین موجود با اعمال تغییرات کمابیش مهم بر آنها استفاده شده است که می‌توان اولی را به علت عدم تغییر در قوانین به عنوان تدوین اداری یا اجرایی نامید و دومی را به علت دست بردن در قوانین موجود، در زمره اعمال حقوقی و هنجاری قرار داد، که طبیعتاً باید به تصویب مجلس برسد (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۰۴). البته برخی تدوین را به معنایی عام‌تر نیز به کار برده‌اند؛ آن‌گونه که معتقدند تنقیح تنها بخشی از برنامه بزرگ‌تری است به نام تدوین و معتقدند که مجموعه‌های متلائی که تنقیح می‌شوند، در فرایند تدوین باید جایگزین تمامی قوانین و مقررات قبلی شوند و استناد معتبر تنها از طریق آنها صورت گیرد (آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

با بررسی مجموع نظرهای مذکور درمی‌یابیم که تدوین قوانین و مقررات گاه ممکن است صرفاً با هدف تجمیع قوانین و مقررات حول موضوعی مشخص و واحد صورت پذیرد و گاه شناسایی و حذف موارد نسخ‌شده، تشخیص موارد عام و خاص و موارد مشابه نیز در میان این قوانین و مقررات در فرایند تدوین مورد توجه قرار می‌گیرند. نوع اول که همان تدوین - گردآوری است، هیچ جنبه هنجاری و حقوقی ندارد و به همین دلیل نیازمند طی فرایندهای شکلی تقنینی نیست، لکن نوع دوم که همان تدوین - اصلاح است، همان‌گونه که پیشتر نیز بیان شد، به این علت که در قوانین و مقررات تغییری ایجاد می‌کند، عملی حقوقی و هنجاری و نیازمند طی فرایندهای تقنینی است.

به نظر می‌رسد تدوین - گردآوری قوانین و مقررات را بتوان صرفاً ارائه نتایج گردآوری صورت گرفته در مرحله تنقیح دانست که تفاوت چندانی نیز با تنقیح ندارد و به باور برخی حتی در بخش خصوصی نیز قابل انجام است (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۰۴) و نیازی به تقنین ندارد؛ از این رو شرایط تنقیح بر آن حاکم است. لکن در خصوص تدوین - اصلاح که نیازمند طی فرایندهای تقنینی است، شرایط می‌تواند متفاوت باشد. در ادامه واژه تدوین در معنای خاص تدوین - اصلاح مدنظر نگارندگان قرار گرفته است.

۲-۱-۲. شیوه جمع‌سپاری تدوین قوانین و مقررات

آن‌گونه که تاکنون بیان شد، تدوین به معنای ارائه نتایج قوانین تنقیح‌شده و اعمال نتایج آن از جمله نسخ، تخصیص و... توسط مرجع صلاحیت‌دار است. جمع‌سپاری این مرحله عملاً به معنای بررسی و تأیید نهایی تنقیح‌های انجام پذیرفته است.

تنقیح قوانین و مقررات یا محتوای آنها که پیش از این یکی از روش‌های انجام آن بیان شد، در نهایت به گزاره‌های مشخصی از چگونگی وضعیت یک قانون، مقرر، ماده، تبصره یا بندی از محتوای آنها با یکدیگر یا به تنهایی منجر می‌شود. جمع‌سپاری در تدوین می‌تواند

نظارت نهایی و صحت‌سنجی همین گزاره‌ها و وضعیت‌های نهایی آن‌ها باشد، لکن به شکلی که تأییدیه نهایی تلقی شده و نتایج آن در نظام حقوقی و بر قوانین و مقررات اعمال شود. شیوه انجام آن نیز می‌تواند این‌گونه باشد که عنوان قانون یا مقررده و یا متن ماده، تبصره و یا بندی از محتوای آن‌ها که بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند، همراه با وضعیت و اثری که مترتب شده است، به افراد نمایش داده شده و صحت آن بررسی شود. طبیعی است که تکرار هرچه بیشتر افرادی که یک مورد را بررسی می‌کنند، بر دقت آن می‌افزاید.

۲-۲-۲. واگذاری تدوین قوانین

همان‌گونه‌که بیان شد، تدوین قوانین منقح‌شده به‌نوعی یک امر قانونگذاری است که پس از انجام فعالیت تنقیح در مرحله اول، مقنن نتایج به‌دست‌آمده را در قالب قوانین جامع یا موارد مشابه ضمن بی‌اعتبار کردن قوانین مرتبط سابق، به تصویب می‌رساند. این موضوع از این حیث که وضع قانون در نظام حقوقی را به‌دنبال دارد، نیازمند بررسی صلاحیت واضح و لزوم مباشرت یا عدم لزوم آن است.

در خصوص امکان واگذاری امر تدوین قوانین توسط مجلس شورای اسلامی به خرد جمعی، با توجه به اهمیت ویژه امر قانونگذاری و اینکه امر تدوین با تعریفی که از آن ارائه شد، قانونگذاری است، از این‌رو می‌توان اصل ۸۵ قانون اساسی را، که قانونگذاری را قائم به شخص و با مباشرت نمایندگان دانسته و ایشان را از تفویض این اختیار به دیگران منع کرده است، مانع مهمی در مقابل این امر دانست. البته برخی با تردید در مبانی اصل مذکور معتقدند که تنها مبنای این اصل برتری قانون اساسی است و با توجه به تجربه‌های جهانی از جمله قانون اساسی جمهوری چهارم فرانسه که در واقعیت به آن عمل نمی‌شود، بهتر است شورای نگهبان نیز تفسیر مدرن‌تری از این اصل ارائه دهد تا موجب رشد دولت اداری مدرن شود (کدخدایی و آقایی طوق، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۷). لکن رویه کنونی شورای نگهبان و همچنین صراحت اصل مذکور در حال حاضر بر عدم امکان واگذاری این امر به خرد جمعی دلالت دارند. حتی در بیان استثنائات در ادامه اصل مذکور نیز، مجلس شورای اسلامی را در واگذاری این اختیار هم به لحاظ ماهوی و حدود موضوعات و هم به لحاظ شکلی و نهادهای قابل واگذاری محدود کرده است. در نتیجه می‌توان دریافت که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند تدوین قوانین را به خرد جمعی واگذار کند. بدین‌معنا که خرد جمعی در امر تنقیح صرفاً در مقام مشورت به معاونت قوانین مجلس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی قابل دریافت است و حتی با اراده مجلس برای الزامی کردن توجه به نتایج تنقیح صورت‌پذیرفته، امکان این

واگذاری به سبب تعارض با اصل ۸۵ قانون اساسی امکان‌پذیر نیست. در خصوص مصوبات شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی نیز در خصوص مصوباتی از ایشان که مافوق یا هم‌رده قوانین عادی هستند، به این علت که صلاحیت شورا از رهبری اخذ شده است، فقط با احکام رهبری نیز امکان این واگذاری و بهره‌گیری از خرد جمعی فراهم می‌شود و در خصوص مصوباتی که مادون قوانین عادی تعریف می‌شوند، شرایط ایشان مانند دیگر مقررات خواهد بود.

۲-۲-۳. واگذاری تدوین مقررات

در خصوص تدوین مقررات تنقیح‌شده توسط فرایندهای جمع‌سپاری‌شده، فارغ از نتایج و کارکرد مثبت یا منفی آن، باید دقت کرد که اولاً با توجه به جایگاه و اهمیت خاص مقررہ‌گذاری که با حقوق عامه مردم در ارتباط است، اعطای صلاحیت قانونگذار به یک نهاد در وضع مقررہ ذاتاً در صلاحیت همان نهاد مذکور است و حساسیت قانونگذار اساسی در اصل ۱۳۸ در تعیین حدود صلاحیت واگذاری شاهدهی بر این مدعاست. صدر این اصل بر امکان مأمور کردن هیأت وزیران یا وزیر برای تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی تأکید دارد، از این رو تفویض امر مقررہ‌گذاری به خرد جمعی نیز در نظام حقوقی جمهوری اسلامی مانند قانونگذاری امری ناممکن خواهد بود.

با توجه به نظر برخی که مصوبات شوراهای عالی فرهنگی و فضای مجازی را کلاً یا در مواردی مادون مصوبات مجلس شورای اسلامی می‌دانستند نیز به نظر می‌رسد در اینجا صرفاً احکام رهبری می‌تواند در خصوص تدوین آن‌ها و شرایط و فرایندهای آن، تصمیم اتخاذ کند. از این رو جمع‌سپاری و بهره‌گیری از خرد جمعی در این مورد فقط با احکام رهبری امکان‌پذیر خواهد بود.

نتیجه

دانستیم که توسعه فناوری‌های نوین ابزارهایی را برای تسهیل امور در اختیار ما قرار می‌دهد. تنقیح قوانین و مقررات به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌ها، از چالش‌هایی است که حل آن نیاز اساسی نظام حقوقی امروز ماست. یکی از پیشنهادها برای حل این چالش، بهره‌گیری از خرد جمعی از طریق جمع‌سپاری این امر است. با توجه به تأثیرات اتخاذ تصمیمات این‌چنینی بر نظام حقوقی ما، بررسی امکان بهره‌گیری از این ابزار در نظام حقوقی و براساس اصول حاکم بر آن از الزامات هر تصمیم‌گیری در این حوزه است. با بررسی ویژگی‌های تنقیح و آثار آن در حدود قوانین و مقررات دریافتیم که:

۱. تنقیح را می‌بایست در دو مرحله تنقیح (به معنای خاص) و تدوین تفکیک کرد و برای هر کدام تفاوت‌ها و شرایطی قائل بود.
۲. تنقیح به معنای خاص یعنی بررسی و شناسایی قوانین معتبر از نامعتبر و نسبت این قوانین و مواد آن‌ها با یکدیگر از طریق تشخیص ناسخ و منسوخ‌ها، عام و خاص‌ها و... .
۳. تدوین که خاصه در معنای تدوین به معنای انتشار قوانین و مقررات و مواد مرتبط گردآوری شده در کنار یکدیگر در قالب قوانین جامع یا امثالهم است. تدوین می‌تواند صرفاً «تدوین - گردآوری» باشد و بدون حذف و اصلاح قوانین و مقررات نامعتبر و عام و خاص صورت‌پذیر یا «تدوین - اصلاح» بوده و با اعمال موارد تنقیحی شناسایی شده باشد. در حالت اول صرفاً جنبه پیشنهادی و مشابه همان تنقیح دارد، لکن در حالت دوم به‌عنوان قانونی جامع، قوانین سابق را نسخ می‌کند و جایگزین می‌شود.
۴. از آنجا که تنقیح قوانین و مقررات و تدوین - گردآوری صرفاً فعالیت و اقدامی کارشناسانه است، واگذاری آن به دیگران ممنوعیتی ندارد و در بخش خصوصی نیز قابل انجام است. حتی در حال حاضر نیز نهادهای متولی امر از نظرهای کارشناسان و متخصصانی غیر از واضعان قوانین و مقررات برای این موضوع بهره می‌برند که با توجه به وضعیت تخصصی آن، امری طبیعی است. در نتیجه نتیجه جمع‌سپاری ناشی از آن صرفاً در مقام مشورت برای نهاد متولی است و هیچ الزامی برای ایشان ایجاد نمی‌کند.
۵. با توجه به اینکه تدوین - اصلاح که معنای خاص مدنظر نگارندگان در این نوشته از تدوین نیز بوده است، به‌نوعی قانونگذاری تلقی می‌شود، نیازمند صلاحیت قانونی برای انجام آن است و نمی‌توان آن را مستقیماً به دیگری واگذار کرد، مگر با مجوز قانونی.
۶. از آنجا که واگذاری تدوین قوانین نیازمند مجوز واگذاری تقنین در مجلس شورای اسلامی است و با توجه به ممنوعیت اصل ۸۵ قانون اساسی بر تفویض این اختیار توسط نمایندگان مجلس به دیگری مگر در موارد خاص مذکور ذیل این اصل، امکان واگذاری تدوین قوانین تنقیح‌شده به خرد جمعی وجود ندارد.
۷. در خصوص واگذاری تدوین مقررات نیز دریافتیم که با توجه به اصل حاکمیت قانون که وضع هر قانون یا مقرره‌ای را نیازمند داشتن صلاحیت آن می‌داند و همچنین تصریح قانونگذار در موارد متعدد بر صلاحیت نهادهای مقررگذار و لزوم تفسیر مضیق این موضوع به‌سبب حراست از حقوق عامه، امکان استفاده از خرد جمعی در تدوین مقررات نیز نیازمند تصمیم و تصویب نهاد صادرکننده صلاحیت وضع مقررره است و از آنجا که قانون اساسی به‌صراحت نهادهای دارای صلاحیت مقررگذار را تعیین کرده است، از این‌رو امکان

بهره‌برداری از خرد جمعی و جمع‌سپاری در تدوین مقررات تنقیح‌شده نیز فراهم نیست. ۸. مصوبات شوراهای عالی فرهنگی و فضای مجازی به اعتقاد برخی مافوق قوانین عادی و به اعتقاد برخی مادون این قوانین است. علی‌ای حال در هر دو فرض در امر تنقیح (به معنای خاص) محدودیتی ندارند، لکن در امر تدوین تابع شرایط و تصمیماتی است که نهاد و احکام رهبری، که به ایشان صلاحیت تقنینی اعطا کرده است، برای آن اتخاذ می‌کنند.


پیشنهادها

با بررسی نتایج مذکور و حاصل پژوهش حاضر با پذیرش امکان عملی بهره‌گیری از خرد جمعی نخبگان در امر تنقیح و با توجه به اصول حاکم بر آن که حدود و ممنوعیت‌های مربوط به آن را تعیین کرده است، پیشنهاد می‌شود:

اگر مجلس شورای اسلامی یا هر نهاد تقنینی یا حتی خصوصی قصد بهره‌برداری از خرد جمعی در تنقیح و تدوین قوانین و مقررات را داشته باشد، می‌تواند امر شناسایی و بررسی اولیه (تنقیح) و جمع‌بندی و تدوین (تدوین - گردآوری) آن نتایج را تا پیش از تصویب به خرد جمعی بسپرد و به‌عنوان پیشنهاد در اختیار مقرر قرار دهد و ایشان در صورت تمایل به تصویب و تبدیل آن به قانون یا مقرر مبادرت ورزند.

در نهایت البته پیشنهاد می‌شود بهره‌گیری از خرد جمعی در تنقیح (به معنای خاص) در قوانین و مقررات متحداً با تصمیم مجلس شورای اسلامی و ضمن بررسی فرایند و مدل این جمع‌سپاری صورت پذیرد و نهادهای متولی نیز در فرایندی مشخص به اعمال نتایج نهایی پس از بررسی کارشناسی در مسیرهای قانونی اقدام کنند.





یادداشت‌ها

- ۱- سامانه به آدرس qavanin.ir متعلق به معاونت حقوقی ریاست جمهوری، آخرین بررسی ۱۳۹۹/۱۰/۰۵
- ۲- Recaptcha.net.
- ۳- Google Image Labeler.
- ۴- Crowdsourcing.
- ۵- Wisdom of crowd.
- ۶- Outsourcing.
- ۷- Jeff Howe, 2006.01.06, in (www.wired.com/2006/06/crowds).
- ۸- Web 2.0.
- ۹- Wikipedia.org.
- ۱۰- آخرین مراجعه: ۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۹:۰۰. آمار بیان‌شده صرفاً آماری است که از طریق سامانه مذکور قابل دسترسی است، لکن بسیار بیشتر از این آمار تخمین زده می‌شود.
- ۱۱- Metadata.
- ۱۲- Codification-compilation.
- ۱۳- Codification-modification.

منابع

الف) فارسی

۱. آقای طوق، مسلم (۱۳۹۶)، «نگاهی مفهوم شناختی به تدوین قوانین و تمییز آن صص تنقیح»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، ش ۱، صص ۹۷-۱۱۱.
۲. آقای طوق، مسلم (۱۳۹۸)، «تدوین شکلی؛ حلقه مفقود نظام تدوین و تنقیح قوانین و مقررات در ایران»، حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۶، صص ۱-۱۹.
۳. انصاری، باقر (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی تنقیح و تدوین قوانین و مقررات (کدیفیکاسیون)»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۴، صص ۹۱-۱۵۶.
۴. پروین، خیرالله؛ فرامرزی، رضا؛ پاشایی امیری، رضا (۱۳۹۹)، «تنقیح قوانین و مقررات گامی در تضمین اصل امنیت حقوقی»، دانش حقوق عمومی، دوره ۹، ش ۳۰، صص ۹۵-۱۱۶.
۵. تقی زاده، جواد؛ نجابت خواه، مرتضی؛ فولادوند، سجاد (۱۳۹۳)، «تأملی درباره‌ی تفویض اختیار قانونگذاری در نظریات شورای نگهبان»، دانش حقوق عمومی، دوره ۳، ش ۷، صص ۱-۲۶.
۶. جوادی خسرقی، هانیه (۱۳۹۲)، شناسایی فاکتورهای اثرگذار بر عملکرد جمع کاران در پلتفرم‌های جمع سپاری، دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران.
۷. درویشوند، ابوالفضل؛ فضائلی، احمد؛ اسمعیلی گیوی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، بررسی جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظرات شورای نگهبان»، دانش حقوق عمومی، دوره ۷، ش ۲۱، صص ۲۱-۵۰.
۸. رضایی، مریم (۱۳۹۵)، رویکرد طراحی مکانیزم برای حل یک مسئله جمع سپاری. دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف، تهران.
۹. شریف، محمد (۱۳۸۴)، «جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۵ و ۱۶، صص ۲۱۳-۲۴۸.

۱۰. شفیعی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «تأملی بر تنقیح و تدوین قوانین و مقررات در ایران؛ گذشته، حال و آینده»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره جدید، ش ۱۱، صص ۱۲۳-۱۴۰.
۱۱. فراهانی، محمدصادق؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۷)، «تنقیح قوانین؛ بازشناسی مفهوم، پیشینه و مبانی»، اندیشه‌های حقوق عمومی، دوره ۸، ش ۱۴، صص ۷۵-۸۸.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «تنقیح قوانین و مقررات (مصاحبه)»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره جدید، ش ۱۱، صص ۱۶۷-۱۸۱.
۱۳. کدخدائی، عباس‌علی؛ آقایی‌طوق، مسلم (۱۳۹۱)، «تبیین مفهوم اصل عدم تفویض قانون‌گذاری در پرتو اصل برتری قانون اساسی؛ نقدی بر رویه شورای نگهبان»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۴، ش ۳۸، صص ۷۷-۱۰۰.
۱۴. ملک‌افضلی، محسن (۱۳۸۷)، «جایگاه و اعتبار مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، حکومت اسلامی، دوره ۱۳، ش ۴۸، صص ۱۴۴-۱۷۴.
۱۵. میرمحمدی میبدی، مصطفی؛ الهام، غلامحسین (۱۳۹۲)، «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۴، ش ۳۷، صص ۱۵۵-۱۷۹.
۱۶. مصاحبه با جناب آقای دکتر ره‌پیک (عضو حقوقدان شورای نگهبان)، آشنایی با جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش شماره ۱۳۹۳/۱۲/۱۷، ۱۳۹۳/۰۱/۱۸.
۱۷. بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۴)، «تحدید قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، ش ۴، صص ۶۳۱-۶۶۵.
۱۸. نورایی، مهدی، «مراجع قانونگذار در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات قانون و قانونگذاری، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۲/۰۶/۱۲، ۱۳۹۲/۰۳/۳۱.

۱۹. هدایت نیا گنجی، فرج الله (۱۳۸۱)، «جایگاه حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات آن»، رواق اندیشه، ش ۸، صص ۵۳-۷۰.

ب) انگلیسی

Joseph Tucker ؛Suzanne Day ؛Weiming Tang ؛Barry Bayus (2018) ،
Crowdsourcing in medical research .theory and practice.

Liu ،Yuan ؛Miao ،Chunyan (2016) ،A Survey of Incentives and
Mechanism Design for Human Computation Systems.

Articles

Estellés-Arolas ،Enrique ؛González-Ladrón-de-Guevara ،Fernando
(2012) ،"Towards an integrated crowdsourcing definition"، Journal of
Information Science, 38, 2, 189–200.

Websites

www.wired.com

References

1. Javadi Khosraghi, Hanieh (2013), Identification of Factors Affecting Collectors' Performance on Demolition Platforms, Faculty of Industrial Engineering, Khajeh Nasir al-Din Tusi University of Technology, Tehran.
2. Rezaei, Maryam (2016), Mechanism design approach to solve a crowdfunding problem. Faculty of Computer Engineering, Sharif University of Technology, Tehran.
3. Aghaei Toogh, Moslem (2017), "A conceptual look at the formulation of laws and its distinction pp. Revision", Public Law Studies, Volume 47, Number 1, pp. 97-111.
4. Aghaei Toogh, Moslem (2019), "Formal compilation; The missing link in the system of drafting and revising laws and regulations in Iran " , Law of Justice, Volume 83, Number 106, pp. 1-19.
5. Ansari, Baqer (2012), "Comparative study of revision and codification of laws and regulations (codification)", Legal Research, No. 54, pp. 91-156.
6. Parvin, Khairullah; Faramarzi, Reza; Pashaei Amiri, Reza (2021), "Revision of laws and regulations, a step in

- guaranteeing the principle of legal security", Public Law Knowledge, Volume 9, Number 30, pp. 95-116.
7. Taghizadeh, Javad; Najabatkhah, Morteza; Fooladvand, Sajjad (2014), "Reflections on the delegation of legislative authority in the views of the Guardian Council", Knowledge of Public Law, Volume 3, Number 7, pp. 1-26.
 8. Darvishvand, Abolfazl; Fazaeli, Ahmad; Ismaili Givi, Hamid Reza (2018), A Study of the Status of the Decisions of the Supreme Council of the Cultural Revolution in the Opinions of the Guardian Council ", Knowledge of Public Law, Volume 7, Number 21, pp. 21-50.
 9. Sharif, Mohammad (2005), "Legal status of the Supreme Council of the Cultural Revolution and the level of its approvals", Law and Politics Research, Nos. 15 and 16, pp. 213-248.
 10. Shafiee, Hamidreza (2008), "Reflections on the revision and codification of laws and regulations in Iran; Past, Present and Future ", Legal Information Quarterly, New Volume, No. 11, pp. 123-140.
 11. Farahani, Mohammad Sadegh; Bahadori Jahromi, Ali (2018), "Revision of laws; Biology of Concept, Background and Fundamentals ", Thoughts on Public Law, Volume 8, Number 14, pp. 75-88.
 12. Katozian, Nasser (2007), "Revision of Laws and Regulations (Interview)", Quarterly Journal of Legal Information, New Volume, No. 11, pp. 167-181.
 13. Kadkhodai, Abbas Ali; Mr. Toogh, Muslim (2012), "Explaining the concept of the principle of non-delegation of legislation in the light of the principle of constitutional supremacy; A Critique of the Guardian Council Procedure, Public Law Research, Volume 14, Number 38, pp. 77-100.
 14. Malek Afzali, Mohsen (2008), "Status and validity of the resolutions of the Supreme Council of the Cultural Revolution", Islamic Government, Volume 13, Number 48, pp. 144-174.
 15. Mir Mohammadi Meybodi, Mostafa va Elham, Gholam Hossein (2013), "Study of the interference of the resolutions of the Supreme Council of the Cultural Revolution with the resolutions of the Islamic Consultative Assembly, the government and the Expediency Council", Journal of Islamic Law, Volume 14, Number 37, pp. 155-179.
 16. Interview with Dr. Rahpik (Legal Member of the Guardian Council), Familiarity with the position and competencies of the

-
- Guardian Council, Guardian Council Research Institute, Report No. 13930188, 12/17/2014
17. Banai Oskooi, Majid (2015), "Restriction of the jurisdiction of the Court of Administrative Justice by the Supreme Council of the Cultural Revolution", Public Law Studies, Volume 45, Number 4, pp. 631-665.
 18. Nouraei, Mehdi, "Legislative Authorities in the Constitutional Law System of the Islamic Republic of Iran", Office of Law and Legislation Studies, Guardian Council Research Institute, serial number 13920031, 12/06/2013.
 19. Hedayatnia Ganji, Farajullah (2002), "Legal status of the Supreme Council of the Cultural Revolution and its approvals", Ravagh Andisheh, No. 8, pp. 53-70.